

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابخانه مختصر با اختلالات یادگیری
و کس آموزان (ریاضی، خواندن، املا)

علی خردمند - راضیه آقایی

عنوان: آشنایی مختصر با اختلالات یادگیری دانش آموزان (ریاضی، خواندن، املا)

نویسندگان: علی خرمند - راضیه توکلی

تیراژ: ۱۰۰۰

مجتمع چاپ و انتشارات پیک فرهنگ

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

قیمت:

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۳۰-۰۱۷-۱

آدرس: خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان وحید نظری - پلاک ۸۲

سرشناسه	خرمندی، علی، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	آشنایی مختصر با اختلالات یادگیری دانش آموزان (ریاضی، خواندن، املا) / علی خرمند، راضیه توکلی.
مشخصات نشر	تهران: پیک فرهنگ، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۴۸ص.
شابک	۵۰۰۰۰ ریال: ۱-۷-۱-۲۳۰۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	کودکان ناتوان در یادگیری -- ایران -- آموزش ابتدایی
موضوع	یادگیری -- اختلالات -- درمان
موضوع	کودکان ناتوان در یادگیری -- توانبخشی
موضوع	مشکلات عاطفی کودکان
شناسه افزوده	توکلی، راضیه
رده بندی کنگره	LC۷۳/۴۷۰/خ۵۱۴ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	۳۷۱/۹۰۴۷۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۹۷۵۰۶۶

فهرست مطالب

۴	مقدمه
۵	اختلال یادگیری
۷	بسته‌های اختلال یادگیری
۱۰	تشخیص مناسب و موقع
۱۵	انواع اختلالات یادگیری
۱۶	اختلال خواندن
۲۷	اختلال ریاضی
۳۸	اختلال املا (نوشتاری)
۴۸	منابع

معمولا سالانه در کلاس های درس با تعدادی دانش آموزانی روبرو می شویم که در یادگیری یک یا چند درس مشکلات جدی داشتند . دانش آموزانی که از لحاظ هوشی و ظاهری هیچ گونه مشکل خاصی ندارد و شاید به جرات گفت از دانش آموزان دیگر با تعدادتر هستند ولی ابزار درستی برای شکوفایی توانمندی خود را ندارند. این گونه دانش اموزان که در بعضی دروس قوی و در بعضی درس دیگر ضعف دارند در زمینه یادگیری مشکل دارند .

با توجه به یافته های جدید در مورد یادگیری ، در سال ۱۹۶۳ جمعی از متخصصین اصطلاح ، ناتوانیهای یادگیری را جایگزین اصطلاحات قبل کردند از آنجا که واژه ناتوانی اصطلاحات دیگری مثل ناتوانی حسی یا ناتوانی ذهنی را تداعی می کند ، یعنی ناتوانیهای که تبدیل به توانایی کامل نمی شود ، اصطلاحی مایوس کننده می نماید و به نظر می رسد اگر اصطلاح اختلالات در یادگیری و (با به نظر نگارندگان مشکلات یادگیری) به کار گرفته شود، مناسب تر باشد . (نبریز - ۱۳۸۰ - ص ۹) .

به بسیاری از این گونه دانش آموزان متاسفانه برچسب کردن کم ذهن ، عقب مانده و امثال آن زده می شود که هیچکدام صحیح نیستند و با قاطعیت می توان گفت که اگر این مشکلات به موقع و به جا تشخیص داده شوند قابل درمان است ؛ افراد چون آلبرت انشتین نابغه ریاضی ، توماس ادیسون مخترع و مبتکر و نابغه آمریکایی ، اگوست رودین مجسمه ساز بزرگ فرانسه ، لئوناردو داوینچی و بتهون همگی دچار اختلالات یادگیری بودند .

بسیارند کودکانی که ظاهری طبیعی دارند، رشد جسمی و قد و وزنشان حاکی از بهنجار بودن آنان است. هوششان کمابیش عادی است، به خوبی صحبت می‌کنند، مانند سایر کودکان بازی می‌کنند و مثل همسالان خود با سایرین ارتباط برقرار می‌کنند، در خانه نیز خود یاری‌های لازم را دارند و کارهایی را که والدین به آنان واگذار می‌کنند به خوبی انجام می‌دهند و از رفتار و اخلاق عادی برخوردارند. لیکن وقتی به مدرسه می‌روند و می‌خواهند خواندن و نوشتن و حساب یاد بگیرند دچار مشکلات جدی می‌شوند.

چگونه سانی دارای اختلالات یادگیری هستند؟

افراد مبتلا به ناتوانی یادگیری در تمام سطوح و در تمام پایه‌های کلاسی از آمادگی تا دانشگاه وجود دارند. اما آن‌ها عده از کودکانی که در سطوح دبستانی درس می‌خوانند اصولاً این است که تأکید بر هدف با شناسایی و درمان این گونه کودکان در این دوره بیشتر است بنابراین در آینده از شمار مبتلایان به این ناتوانی در سطوح بالاتر آموزشی کاسته خواهد شد (والاس - مک لافلین: ۱۳۷۳، شیمی، ششی طوسی، ۱۳۷۳)

زمانی که کودکان با نارسایی‌های یادگیری را در زمره کودکان با آسیب مغزی طبقه بندی می‌کرده‌اند و زمانی دیگر آنان را کسانی با اشکالات خفیف مغزی می‌پنداشتند.

کودک با آسیب مغزی کودکی است که پیش از زایمان در طول تولد یا پس از تولد دچار صدمه یا عفونت مغزی شده باشد در نتیجه این آسیب جسمی ممکن است نقصها یا اشکالاتی در سیستم اعصاب کودک به صورت آشکار یا پنهان بروز کند ولی به هر حال چنین کودکی دارای دشواری در ادراک تفکر یا رفتار هیجانی به طور جداگانه یا

ترکیبی از آنها است. این دشواریها را می توان از طریق آزمونهای ویژه ای نشان داد. کودکی که دارای این اشکالات است نمی تواند مانند دیگر کودکان طبیعی د یادگیری پیشرفت داشته باشد. بدیگر سخن این مشکلات مانع یادگیری آن می شوند یا موجب کند شدن فرایند یادگیری در او می گردند. (نراقی - ۱۳۸۰)

از نظر آموزشی کودکانی دارای نارسایی های یادگیری هستند که تفاوت فاحشی با توانایی هوشی بالقوه آنان و عملکردشان در ارتباط با فرایند یادگیری وجود داشته باشد. و جد این تفاوت، ممکن است همراه با اشکال مشخص شده ای در سیستم اعصاب مرکزی باشد اما باید به خاطر داشت که این تفاوت ناشی از عقب ماندگیهای ذهنی - محرومیت فرهنگی، آه زشی، اشکالات شدید هیجانی یا نقص در حواس مختلف نیست.

مشکل عمده در این تعریف تعیین توانایی هوشی بالقوه کودک است زیرا توانایی کودک معمولاً از طریق عملکرد او در اجرای نوعی از آزمونهای هوشی بدست می آید و این عملکرد تحت تاثیر انگیزشهای کودک و سایر عوامل ناخواسته خارجی قرار می گیرد. این اشکالات ممکن است در کودکان به صورتهای گوناگون مانند: دشواری در گوش دادن - فکر کردن - صحبت کردن - خواندن - نوشتن - هج کردن - حساب کردن ظاهر شود. این تعریف شامل کودکان با صدمه مغزی - آسیب حسی - نارساخوانی و... می شود اما آن دسته از کودکانی را که اشکال اساسی یادگیری آنان در نتیجه نقص بینایی - شنوایی - حرکتی - عقب ماندگی ذهنی - اشکالات هیجانی یا محرومیتهای محیطی است در بر نمی گیرد.